

نقد کهن‌الگویی سفر قهرمان و موانع تشرّف وی در رمان سمفونی مردگان اثر عباس معروفی

خدیجه حسینی زکریا، مهتری تلخابی*، نزهت نوحی، حیدر حسنلو

گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران.

سال هفدهم، شماره هفتم، مهر ۱۴۰۳، شماره پی در پی ۱۰۱، صص ۱۹۱-۲۱۲

DOI: <http://10.22034/bahareadab.2024.17.7500>

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب سابق)

چکیده:

زمینه و هدف: نقد کهن‌الگویی یکی از جمله نظریه‌های مدرن نقد ادبی معاصر و مبتنی بر الگوی نقد روانشناسی است که بر اساس آراء و نظریات یونگ به تحلیل و بررسی میپردازد. از نظرگاه یونگ کهن‌الگوه‌ها، محصول تجارب مکرر بشر در زندگی است و در ناخودآگاه انسان تعبیه شده است. بر اساس این این رویکرد (نقد ادبی) سفر قهرمان بمنظور رسیدن به فردیت، کمال و بلوغ با تکیه بر حضور آرکی‌تایپها در زندگی هر فردی میسر میگردد. هدف پژوهش حاضر، تحلیل و بررسی کهن‌الگوی سفر قهرمان و مسیر تشرّف او در رمان سمفونی مردگان است.

روش پژوهش: روش پژوهش در این جستار، بشیوه توصیفی تحلیلی، بر مبنای مطالعات کتابخانه‌ای و روش سندکاوی و بررسی و تحلیل رمان سمفونی مردگان بر مبنای نقد کهن‌الگویی یونگ است.

یافته‌های پژوهش: یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که در رمان سمفونی مردگان بدلیل رویکرد روانشناختی موجود در بنمایه این رمان، حضور کهن‌الگوی سایه و آنیما در مسیر تشرّف قهرمان بشکل قابل توجهی مشخص میباشد.

نتایج پژوهش: نتایج پژوهش در این مقاله نشان میدهد که آیدین، قهرمان اصلی داستان در مسیر تشرّف و تعالی خود با کهن‌الگوی سایه یعنی پدر و اورهان مواجه است و گرچه توانست برخلاف نظر پدر مسیر درس و تحصیل را در پیش بگیرد، اما سرانجام با مرگ خواهر (آنیمای وجودی) از ادامه مسیر بازماند.

تاریخ دریافت: ۱۰ آذر ۱۴۰۲

تاریخ داوری: ۱۴ دی ۱۴۰۲

تاریخ اصلاح: ۲۹ دی ۱۴۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۲ اسفند ۱۴۰۲

کلمات کلیدی:

سفر قهرمان، سمفونی مردگان، عباس معروفی، نقد کهن‌الگویی یونگ.

* نویسنده مسئول:

mehri.talkhabi@iauz.ac.ir

۰۲۱۴۳۷۰۳۳۱۴۳۷ (+۹۸ ۲۴)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

An archetypal critique of the hero's journey and the obstacles to his honor in the novel Symphony of the Dead by Abbas Maroufi

Kh. Hosseini Zakaria, M. Talkhabi*, N. Noohi, H. Hassanloo

Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Zanjan Branch, Islamic Azad University, Zanjan, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 01 December 2023

Reviewed: 04 January 2024

Revised: 19 January 2024

Accepted: 02 March 2024

KEYWORDS

Hero's Journey, Symphony of the Dead, Abbas Maroufi, critique of Jung's archetype.

*Corresponding Author

✉ mehri.talkhabi@iauz.ac.ir

☎ (+98 24) 33114370

ABSTRACT




BACKGROUND AND OBJECTIVES: Archetypal criticism is one of the modern theories of contemporary literary criticism and is based on the model of psychological criticism, which analyzes and examines based on Jung's opinions and theories. According to Jung, archetypes are the product of repeated human experiences in life and are embedded in the human unconscious. Based on this approach (literary criticism), the hero's journey to achieve individuality, perfection and maturity is possible by relying on the presence of archetypes in the life of each person. The aim of the current research is to analyze and investigate the archetype of the hero's journey and his path to glory in the novel Symphony of the Dead.

METHODOLOGY: The research method in this thesis is descriptive-analytical, based on library studies and document analysis, and analysis of the novel Symphony of the Dead based on Jung's archetypal critique.

FINDINGS: Research findings: The research findings indicate that in the novel Symphony of the Dead, due to the psychological approach in the novel, the presence of the archetype of shadow and anima in the path of the hero's honor is noticeable.

CONCLUSION: Research results: The results of the research in this article show that Aydin, the main hero of the story, faces the archetype of the shadow, namely his father and Orhan, and although he was able to take the path of study and education against his father's opinion, in the end, with The death of the sister (existential anima) prevents the continuation of the path.

DOI: <http://10.22034/bahareadab.2024.17.7500>

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 25	 0	 1

مقدمه

رویکرد نقد اسطوره‌شناختی یا کهن‌الگویی رویکردی میان‌رشته‌ای است که بستر و زمینه‌ای انسان‌شناختی دارد و آثار ادبی یا برخی بن‌مایه‌های موجود در آن را به پیش‌نمونه یا ژرف‌ساخت کهن‌الگویی آن تأویل و تفسیر میکند. این شیوه مطالعه آثار ادبی و هنری نخستین بار در حوزه‌ی انسان‌شناسان کمبریج پیرامون اساطیر یونان و روم باستان و ادبیات نمایشی بکار رفته است و سرانجام از یافته‌های روانشناسی معاصر، بخصوص نظریات یونگ درباره‌ی کهن‌الگوها و ناخودآگاه جمعی بشدت تأثیر پذیرفت و به یکی از شیوه‌های نقد ادبی در تأویل متون تبدیل شد. کارل گوستاو یونگ^۱ (۱۸۷۵-۱۹۶۱ م) روانشناس برجسته‌ی سوئیسی، در ابتدا از شاگردان مکتب روانکاوی فروید^۲ روانپزشک اتریشی بود که بعدها با نقد آراء فروید، توانست نظریات او را تکامل بخشیده و پس از سالها مذاقه و تحقیق، مجموعه عقایدی را با عنوان «روانشناسی تحلیلی»^۳ ارائه نماید. یونگ با مطرح ساختن اسطوره‌ی قهرمان و عوامل یاریگر و بازدارنده‌ی وی مانند کهن‌الگوی سایه، آنیما، آنیموس و پیرخرد، نظریه‌ای را مطرح نمود که بعدها و بویژه در قرن بیستم گسترش مطالعات میان‌رشته‌ای، بحث و بررسی پیرامون آن در ادبیات بصورت جدی و علمی مورد توجه محققان و اندیشمندان نقد ادبی قرار گرفت و در قالب مباحث «نقد اسطوره‌ای» در مطالعه آثار ادبی مطرح گردید. یکی از جمله این مباحث کهن‌الگوس سفر قهرمان میباشد. «سفر قهرمان» در حوزه نقد کهن‌الگویی و اسطوره‌ای یکی از کارآمدترین مؤلفه‌های نقد ادبی است. در اساطیر، شخصیت قهرمان «صورتی از ذهنیت قومی است که نمیتواند صرفاً برآمده از یک سنت خود به خودی باشد، از این رو به شخصیت قهرمان متوسل میشود» (کمپبل، ۱۳۸۵: ص ۱۱۲).

سمفونی مردگان اثر عباس معروفی در فاصله سال‌های ۱۳۶۳-۱۳۶۸ برشته‌تحریر درآمده است. این رمان داستان رویارویی و تقابل دو برادر با عقاید و شخصیت‌های متفاوت و تقابل پدر و پسر را نشان میدهد. تقابل و تضاد علم با جهل، تنفر با مهربانی و مرگ و زندگی در این داستان نمودهایی از جنبه‌های تیره و تاریک روان (سایه) را در مسیر حرکت قهرمان و سفر او در طول داستان بتصویر میکشد. عباس معروفی از جمله نویسندگانی است که از مفاهیم اساطیری و کهن‌الگویی جهت غنای بیشتر ساختار داستانی خود بویژه در رمان مذکور استفاده نموده است. در این جستار به بررسی پیوند کهن‌الگویی آراء و نظریات یونگ با رمان سمفونی مردگان اثر عباس معروفی با تکیه بر کهن‌الگوی «سفر قهرمان» خواهیم پرداخت و به این سؤال پاسخ خواهیم داد که در تأویل ساختار کهن‌الگویی رمان سمفونی مردگان کهن‌الگوی سفر قهرمان را چگونه میتوان بررسی کرد؟ پاسخ به این پرسش بدنه اصلی تحقیق حاضر خواهد بود و فرضیه اصلی این مطالعه را شکل میدهد که قهرمان اصلی رمان سمفونی مردگان در مسیر خود توانایی مقابله با ضد قهرمان را نداشته و مغلوب سایه و بُعد منفی و تیره روان میگردد. تبیین این موضوع و تحلیل آن بر اساس خوانش کهن‌الگویی در نهایت میتواند نشان دهد آیا مراحل رسیدن به فرایند فردیت و تشریح در داستان بر طبق خویشکاری مثبت انجام پذیرفته است یا خیر؟

هدف پژوهش

جستار پیش‌رو درصدد است تا چشم‌اندازی روانشناختی از نوع نقد کهن‌الگویی یونگ نسبت به رمان معاصر فارسی با تکیه بر عنصر خویشکاری سفر قهرمان را در رمان برجسته سمفونی مردگان مورد تحلیل و ارزیابی قرار دهد. از آنجا که این رمان قابلیت خوانش نقد کهن‌الگویی را بخوبی داراست و از سوی دیگر عنصر سفر قهرمان در لایه‌های

1. Carl Gustav yung

2. sigmund. freud

3. Analytic osychology

زیرین داستان بسیار برجسته و حائز اهمّیت میباشد و با توجّه به خلاء پژوهشی پیش‌رو در زمینه مطالعه این موضوع در رمان مذکور، هدف خاص و عمده‌ای که پیگیری مینماییم بررسی و تحلیل کهن‌الگویی سفر قهرمان و مراحل آن در رمان سمفونی مردگان اثر عباس معروفی میباشد.

ضرورت و اهمّیت پژوهش

آنچه ضرورت انجام مطالعه پیش‌رو را بایسته و برجسته می‌نماید، خوانشی است مقایسه‌ای و میان‌رشته‌ای از اندیشه‌های عباس معروفی نویسنده توانمند معاصر با نظریات برجسته کارل گوستاو یونگ پیرامون خویشکاری قهرمان و سفر او که به دو بهره خواهد انجامید؛ نخست فهم و درک بهتر یکی از برجسته‌ترین آثار رمان معاصر فارسی یعنی «سمفونی مردگان» اثر عباس معروفی و شناخت میزان عمق و ادراک وی از ناخودآگاه جمعی بشر و دوم توجّه به این نکته که تحلیل جامع و کامل متون ادبی در دنیای معاصر بدون در نظر گرفتن ارتباط میان این آثار با سایر رشته‌های علوم انسانی و ادراک صحیح و دقیق اثر ادبی از ظرفیت و توانش ادبی به تنهایی تقریباً ناممکن است و ضروری به نظر می‌رسد تا با توجّه به قابلیت‌های نظریات نقد ادبی از جمله نظریه روانشناسی تحلیلی یونگ و ارتباط دو سویه ادبیات و روانشناسی به تحلیل کهن‌الگویی آثار برجسته رمان معاصر از جمله سمفونی مردگان که از قابلیت بسیار بالایی جهت خوانش کهن‌الگویی برخوردار است بپردازیم و بصورت عمیقی به لایه‌های ناخودآگاه شخصیت‌های داستانی این اثر در قالب کهن‌الگوی قهرمان و خویشکاری سفر در آن بپردازیم.

از دیگر سو بسیاری از نقدهای اسطوره‌شناختی و کهن‌الگویی که در حیطه ادبیات داستان معاصر برشته تحریر درآمده است حول محور صادق هدایت، غلامحسین ساعدی، شهرنوش پارس‌پور و... میچرخد و این پژوهش، پیشگامی در ارائه تحلیل عمیق از ژرف‌ساختهای اسطوره‌ای و کهن‌الگویی در رمان سمفونی مردگان میباشد.

روش پژوهش

روش پژوهش در این جستار «کیفی»^۱ توصیفی و تحلیلی و بر مبنای مطالعات کتابخانه‌ای و روش سندکاوی است. رویکرد نظری مورد استفاده جهت تحلیل داده‌ها، اسطوره‌شناسی تحلیلی بر مبنای شیوه کهن‌الگویی است که از گزاره‌های روانشناسی تحلیلی جمعی یونگ و روش نقد اسطوره‌ای^۲ بهره خواهد گرفت. این روش نقد، شیوه‌ای است که از زمینه‌های انسان‌شناسی برخوردار است و در آن نگارندگان میکوشند عناصری از کهن‌الگوی سفر قهرمان را در ساختار ناخودآگاه جمعی^۳ منعکس شده در متن رمان را بر اساس نظریات کارل گوستاو یونگ مورد بررسی قرار دهند. شواهد مثال بر روی متن رمان سمفونی مردگان اثر عباس معروفی تحلیل خواهد شد. لازم به ذکر است در تحلیل مبانی نظری پژوهش، از آراء و پژوهشهای سایر اندیشمندان که در تحلیل و تبیین نظریه یونگ کوشیده‌اند مانند کمپبل نیز بهره خواهیم برد.

پیشینه پژوهش

نقد اسطوره‌شناختی، رویکردی میان‌رشته‌ای^۴ و تلفیقی است که اگرچه با نظریات روانشناسی چون یونگ متحول

1. Qualitative Research method

2. Myth. Logical criticism

3. The collective unconscious

4. Interdisciplinary approach

شد، اما در اصل باید تاریخچه و قدمت آراء آن را در مکتب انسان‌شناسی و مردم‌شناسی انگلیس و پژوهش‌های دانشمندانی آغاز کرد که از اواخر قرن نوزدهم میلادی با توجه به مکاتبی چون هلینیستهای^۱ کمبریج به تحلیل و بررسی آثار ادبی و مناسک و اساطیر روم و یونان باستان از منظر انسان‌شناسی پرداختند مشهورترین اثری که در این راستا بوجود آمد و تأثیر بسیار عمیقی بر تحقیقات پس از خود نهاد، مجموعه سخنرانیهای همایشی بود که در این باره با عنوان «انسان‌شناسی و متون کلاسیک»^۲ در شش سر فصل در سال ۱۹۰۸ م بچاپ رسید. در قرن بیستم و پس از ارائه نظریات یونگ، توجه به کهن‌الگوها، بیشتر جنبه ادبی به خود گرفت که تحت عنوان «نقد ادبی یونگی»^۳ در دهه‌های پایانی قرن بیستم از میان مشهورترین انسان‌شناسانی که پژوهش‌های کلیدی و ارزنده‌ای را در حوزه نقد اسطوره‌ای انجام دادند باید به دو اسطوره‌شناس برجسته «میرچا الیاده»^۴ و «جوزف کمپبل»^۵ اشاره نمود. کمپبل در اثر چهار جلدی خود با عنوان «نقابهای خدا»^۶ به تحلیل و بررسی پیشینه‌های انتقادی از اسطوره‌شناسی از جهان باستان تا دنیای مدرن پرداخت و این مباحث را در کتابهای دیگر خود از جمله «قدرت» و در اثر معروف خود «قهرمان هزار چهره»^۷ سفر قهرمان را مورد تحلیل و بررسی قرار داد. پس از وی «انوراک»^۸ در اثر معروف خود «اسطوره تولد قهرمان»^۹، مسیر تکامل کهن‌الگوی قهرمان را در متون دینی و ادبی مورد تحلیل قرار داد. «دوان خنپ»^{۱۰} مردم‌شناس هلندی نیز در رساله دکتری خود با عنوان «مناسک گذار»^{۱۱} آیین تشریف و گذار را از منظر کهن‌الگویی یونگ در زندگی قهرمان بررسی و تحلیل کرده است. پس از ورود مبانی نقد ادبی و اسطوره‌شناختی تحلیلی به مطالعات ادبی در ایران نیز پژوهش‌های قابل ملاحظه‌ای صورت گرفت. شمیسا (۱۳۸۳) در بخشی از کتاب «بیان و معانی» پیرامون مباحث استعاره‌گونه‌ها، به «آرکی تایپ» و «کهن‌الگو» پرداخته است. نیز شمیسا در فصلی از کتاب «نقد ادبی» (۱۳۸۱)، مباحث ارزشمندی در خصوص جایگاه نقد کهن‌الگویی یونگ در مطالعات نقد ادبی معاصر را بیان نموده است. کتاب «رنج مرگ: نقد و تحلیلی بر رمان سمفونی مردگان عباس معروفی» آذرنیوار (۱۳۹۷)، نقدی است بر رمان سمفونی مردگان که در بخش نخست به تحلیل روانشناسانه رنگها در این رمان پرداخته است. در بخش دوم هویت و ماهیت انسان در دنیای مدرن با گوشه چشمی به اساطیر دنیای معاصر مورد ارزیابی قرار گرفته است. در بخش سوم بستر تاریخی پدید آمدن رمان، تحلیل شده است. لازم بذکر است که رویکرد کتاب یاد شده یا مقاله پیش‌رو بلحاظ روش‌شناسی متفاوت است.

از دیگر پژوهش‌های مرتبط میتوان به برخی از مقالات ارزشمند پیرامون نقد کهن‌الگویی در آثار داستانی فارسی بویژه رمان فارسی میتوان به این موارد اشاره نمود:

بخشی و همکاران (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «نقد کهن‌الگویی روابط اجتماعی در رمانهای سیال ذهن ایرانی، مورد مطالعه: این سگ می‌خواهد رکسانا را بخورد» به بررسی چگونگی نقش و اهمیت کهن‌الگوها در ساختار روابط اجتماعی افراد بجهت شناخت فرد از خود و گسترش این روابط پرداخته‌اند و با توجه به رمان مذکور نتیجه گرفته‌اند که فرد با آگاهی و شناخت عمیق از ناخودآگاه جمعی بشری میتواند روابط اجتماعی بهتری داشته باشد. شیخلو و

1. Hellenists

2. An thropology and the classics

^۳ در نوشته‌ای مانند «نقد اسطوره‌ای» بسیار تأثیرگذار بودند. A ckerman نویسنده‌گان این اثر از جمله اکرم .

4. Jungian literary criticism

5. Mircea Eliade

6. Joseph compben

7. The masks of God

8. The herewith a thousand faces

9. Otto Rank

10. The myth of the Birth of the Hero

11. Van Gennepe

دیگران (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل شخصیت، مفاهیم اساطیری و انواع آن در رمان سمفونی مردگان» سه دسته نامهای اساطیری شامل اساطیر ملی و شاهنامه‌ای، حیوانات و مفاهیم اساطیری مانند اسطوره آفرینش، ماندالا، گیاه‌پیکری و ... را تحلیل نموده‌اند. در این مقاله توجهی به کهن‌الگوی سفر قهرمان شده است. سلجوقی و صلاحی (۱۳۹۴) در مقاله «بررسی تطبیقی داستان هابیل و قابیل با داستان سمفونی مردگان» نشانه‌های حسادت در رفتار اورهان نسبت به آیدین تحلیل شده است. رنجبر و ثنایی مقدم (۱۳۹۰) در مقاله «نقش اسطوره‌ها و افسانه‌ها در آثار عباس معروفی» مفاهیم اسطوره‌ای در مهمترین آثار معروفی از جمله رمان سمفونی مردگان تحلیل شده است.

هاشمیان و دهقان‌پور (۱۳۸۹) در مقاله «بازتاب اسطوره هابیل و قابیل در برخی از رمانهای ادبیات ایران و جهان» برادرکشی در رمان سمفونی مردگان را تحلیل نموده‌اند. یکتا (۱۳۸۴) در پژوهشی با عنوان «ازل تا ابد: درونکاوی رمان سمفونی مردگان» کارکردهای اسطوره‌ای در این رمان مورد توجه قرار داده است.

پژوهشهای انجام شده در زمینه نقد و تحلیل رمان سمفونی مردگان و یا مطالعات نقد اسطوره‌شناختی با رویکردهای متفاوتی نسبت به جستار پیش‌رو به رشته تحریر درآمده‌اند و تا جایی که نگارندگان جستجو کرده‌اند، تحقیق مستقلی با موضوع سفر قهرمان از منظر کهن‌الگویی یونگ در رمان سمفونی مردگان یافت نشد.

چارچوب نظری بحث

آرکی‌تایپ واژه‌ای^۱ یونانی است و از جمله واژه‌ها و اصطلاحات رایج در نقد روانشناسی بویژه در صد سال اخیر است. «کاربرد وسیع [این اصطلاح] در ادبیات به پیدایی شاخه‌ای از نقد به نام نقد کهن‌الگویی یا نقد نمونه ازل منجر شده است» (داد، ۱۳۸۳: ص ۴۸۸). از نظر یونگ «کهن‌الگوها شبیه نیروی بالقوه در دریای ضمیر ناخودآگاه نهفته هستند هنگامی که کهن‌الگو می‌خواهد ظاهر شوند، به قالب سمبل و رمز در می‌آیند زیرا در واقع سمبول صورت عینی کهن‌الگوی ناپیداست» (شایگان، ۱۳۸۱: ص ۲۰۸).

ناخودآگاه جمعی و کهن‌الگوها

بر اساس نظر یونگ، خودآگاه انسان در اولین نظرگاه شبیه کوه یخی است که تنها نوک آن پیداست و در زیر آن، بخش عظیم کوه یا همان ناخودآگاه نهان است که دریای ژرف و عمیقی است از تجارب جمعی بشر از ادوار گوناگون و سرشار از تصاویر و رفتارهایی که در طول تاریخ و سده‌های مختلف بارها و بارها تکرار گردیده است (ر.ک رابرتسون، ۱۳۹۵: صص ۱۷-۱۸). یونگ معتقد است: «ناخودآگاه بخشی از روان است که از حیطه شخص جداست و خصوصیاتش کاملاً کلی و عمومی است و محتوای آن را همه افراد میتوان یافت. ما ممکن است در زندگیمان فکر کنیم که بنا به اراده خود عمل میکنیم اما در واقع بدون اینکه خود بدانیم، امور ما بصورت ناآگاهانه، تحت تأثیر بخش ناخودآگاه روان ماست» (یونگ، ۱۳۹۵: ص ۲۱-۲۷). ناخودآگاه جمعی، به ارث میرسد و از قالبهای کهن و از پیش موجود که محتویات روانی افراد نوع بشر را در طی قرون و اعصار تشکیل میدهد، فراهم میشود. «کهن‌الگوها، تجاربی هستند که در طول تاریخ، دائماً توسط بشر تکرار شده‌اند. این الگوها از لحظه تولد در وجود همه انسانها هستند و بصورت مخفی و نامحسوس در لایه عمیقی از ناخودآگاه وجود دارند و در بیرون بصورت اسطوره‌ها و آیینهای مقدس جلوه میکنند» (انسودن، ۱۳۹۵: ص ۸۳).

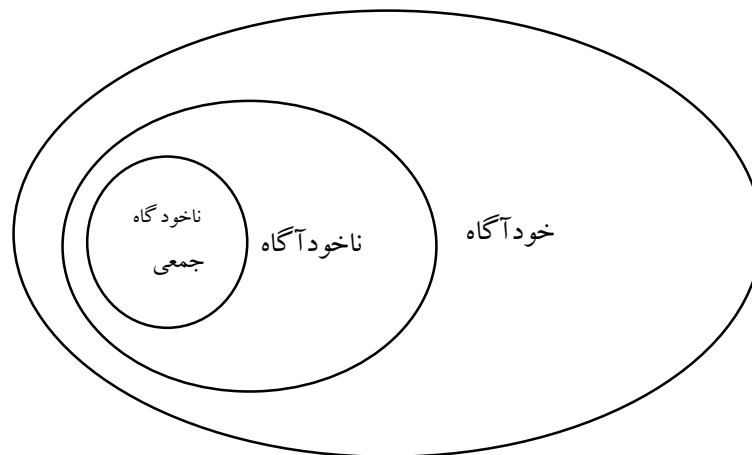
یونگ ناخودآگاه را مخزن تمامی اموری میداند که بشریت از تاریکترین و دورترین مراحل آغازین هستی و وجود، شاهد آن بوده است. بخشی فعال از کنشها و واکنشها که سرچشمه غرایز بحساب می‌آید. «کهن‌الگوها، اشکالی

۱. Archetype

هستند که از ورای آنها، غرایز خود را نشان می‌دهند و از همین سرچشمهٔ حیات غرایز است که تمام خلاقیتها بروز میکنند» (یونگ، ۱۳۹۵: صص ۳۴-۳۵).

در کهن‌الگویی که یونگ تعریف میکند فرایند فردیت مسیری است که فرد در آن به شناخت خویش دست می‌یابد و گاه با «سایه^۱» مواجه میشود. «سایه پنهان و سرکوفته است زیرا داخلی‌ترین و گناهکارترین بخش شخصیت است و ریشه‌اش حتی به قلمرو حیات اجداد ما میرسد و از این رو شامل همهٔ جنبه‌های تاریخی خودآگاه است. سایه سرچشمهٔ همهٔ گناهان و تقصیرهاست. انسان ناخودآگاه همان سایه‌اش است (شمیسا، ۱۳۹۴: ص ۸۴). هنگامی که فرد تلاش میکند سایهٔ خود را درک و دریافت کند اغلب با حالتی از شرم، کاستیها و معایبی را که بروشی در وجود دیگران پیدا میکند، در خود نمیبیند. سایه بسیار تحت تأثیر خودآگاه جمعی انسان است و همواره رقیب جنبه‌های مثبت وجود او بر مبنای نظریه یونگ «من خودآگاه همیشه همواره با سایه در ستیز است. این ستیزه در کشمکش انسان برای دست یافتن به خودآگاهی بصورت نبرد میان قهرمان کهن‌الگویی با قدرت شرور تجلی می‌یابد» (یونگ، ۱۳۹۵: ص ۲۴۱).

قهرمان باید با سایه یا جنبهٔ تاریک وجود خویش مبارزه کند. در این مسیر «خود^۲ در مقابل «من^۳» قرار می‌گیرد. «من مرکز بالفعل آگاهی است اما خود مرکز ناخودآگاهی است، خود در نزد یونگ مهمترین بخش از روان آدمی است. از آنجا که روان انسان یک نظام ثابت و ایستا نیست و همواره در حال تحول و پویایی است، مهمترین کهن‌الگوها محسوب میشود چرا که با ایجاد توازن بین همهٔ جنبه‌های ناخودآگاه، ساختمان شخصیت را دارای وحدت و ثبات میکند به دیگر سخن خود، تلاش میکند که بخشهای مختلف شخصیت را به یکپارچگی برساند» (فوردهام، ۱۳۸۴: ص ۵۲). در توضیح این مطلب آنکه برای «خود» میتوان سه دایره متحدالمركز با شعاعهای خود تصور کرد، درونی‌ترین بخش ناخودآگاه جمعی و بیرونی‌ترین آن خودآگاه و بخش سوم، ناخودآگاه فرد است. این سه دایره بر روی هم بیانگر خود است.



1. shadow
2. self
3. ego

«دستیابی به این فرایند که تفرّد یا خودپرورانی است به تولد دوباره روانشناختی فرد کمک میکند. فرایند فرد، کامل شدن انسان است» (بیلسکر، ۱۳۸۴: ص ۵۶). نماد قهرمانی زمانی بروز میکند که «من» یا خویشتن تقویت شده و آزمونهای دشواری را پشت سر نهاده است (ر.ک ساندزر، ۱۳۷۶: ص ۵۰). قهرمان باید از دشواریها و جنبه تیره و تار وجود خویش همان سایه عبور کند و این مراحل به راهنمایی «پیر خرد» رخ میدهد. «پیر خرد، یاریگر قهرمان در مراحل دشوار زندگی، آزمونها و سفرهاست. پیر خرد مظهر دانش، معنی و زندگی است. او از یکسو، نماینده علم، بینش، خرد، ذکاوت و اشراق است و از سوی دیگر خصائص اخلاقی چون اراده مستحکم و آمادگی برای کمک بدیگران را دارد؛ وقتی قهرمان در موقعیتی عاجزانه و ناامیدکننده قرار میگیرد، پیر خرد ظاهر میشود و با واکنشی بجا و عمیق با پند و اندرزهای نیک او را از ورطه میرهاند» (گورین، همکاران، ۱۳۷۰: ص ۱۷۸). قهرمان با یاری پیر خرد باید آزمونهای را پشت سر بنهد و به مرحله «تشرّف» دست یابد. «تشرّف بمعنای ورود بمرحله جدید زندگی است. قهرمانی که در مواجهه با مشکلات و مسئولیتهای عدیده به بینش و آگاهی دست می‌یابد، مناسب گذار را طی میکند. در نظریه کهن‌الگویی یونگ، تشرّف یا مناسب گذار شامل سه مرحله میشود. نخست مرحله گسست یا پیش‌گذار^۱ که شامل جدا شدن فرد از گروه، خانواده یا موقعیت پیشین خود است. پس از فرایند گسست، وارد مرحله گذار^۲ می‌شود. مرحله‌ای که در آن قهرمان وارد پایگاه جدید اجتماعی میشود. مرحله سوم یا پساگذر^۳ که در آن، قهرمان از مراحل کودکی عبور نموده و به بلوغ مشرف میشود (ر.ک اسنودن، ۱۳۸۸: صص ۵۳-۵۴).

کهن‌الگوی قهرمان

از کهن‌الگوهای شخصیتی که در نظریه یونگ مورد توجه قرار گرفته است، کهن‌الگوی قهرمان میباشد. «کهن‌الگوهای از جمله پیر دانا، یاری‌دهنده، سایه و غیره در ارتباط با قهرمان [است که] معنا می‌یابد» (ووگلر، ۱۳۸۷: ص ۵۹). کهن‌الگوی کانونی و مرکزی که یونگ آن را مورد توجه قرار داده است «قهرمان» است. به اعتقاد یونگ اسطوره قهرمان، شناخته‌شده‌ترین و رایجترین اسطوره‌هاست؛ «این اسطوره جهانی به مردمی بسیار نیرومند یا نیمه‌خدایی اشاره دارد که بر بدیهایی که در قالب اژدها، دیو، مار و ابلیس هستند، پیروز میشود و مردم خود را از تباهی میرهاند» (یونگ، ۱۳۷۹: ص ۱۱۲). منشأ کهن‌الگوی قهرمان، به قدیمیترین ادوار پیش از تاریخ برمی‌گردد. در گیل‌گمش، حماسه بازمانده‌ای که بیش از چهار هزار سال قدمت دارد، قهرمانی نیمه‌خدایی نیمه انسانی به نام گیل‌گمش برای رسیدن به حیات جاویدان، آزمونها و سفرهای مختلفی را پشت سر مینهد (شوالیه و گربران، ۱۳۸۸: ص ۲۵۰). یونگ مانند فیلسوفانی چون کانت^۴ و جان لاک^۵ بر این باور بودند که بشر با روانی چون لوح سفید^۶ به دنیا می‌آید، مخالف ورزید و بر آن بود اسلوبهای از پیش ساخته و انگاره‌هایی متکرر در ذهن و روان بشر از هنگام تولد وجود دارد که در میان افراد بشر مشترک است و از این رو انسان دارای نوعی حافظه نژادی^۷ یا

1. separation

2. Liminal

3. Aggregation

4. E. Kant

5. J.Lock

6. tabula rasa

7. Racial memory

جمعی است که کهن‌الگوها^۱ در آن ذخیره میشوند (ر.ک گورین و دیگران، ۱۳۷۰: ص ۱۹۲). ارائه دهد. یونگ برخلاف فروید که بیشتر تحقیقات خویش را در حوزه پژوهش‌های میدانی بر روی رفتارشناسی و روان انسان و ناهنجاری‌های بیمارگونه روح متمرکز ساخته بود، بمطالعه فرهنگها و اساطیر در تمدن بشری پرداخت و در مقایسه میان عقاید جوامع مختلف بدوی و بازمانده‌های فرهنگی از اعصار کهن به نتایج قابل توجهی دست یافت. مهمترین نظریه یونگ در خصوص ناخودآگاه جمعی بشری بود (ر.ک یونگ، ص ۱۳۷۹: ۲۴۹ Neuma, pope, 1999:212, 2005, 73, nn). «قهرمان الگویی از من انسانی است که میکوشد هم خودآگاه فردی خود را با غلبه بر تمایلات ناخودآگاه کشف و تأکید کند و هم برای جامعه‌ای که نیاز به تثبیت هویت جمعی خویش دارد، مفهوم خود را به اثبات برساند» (یونگ، ۱۳۸۱: صص ۱۶۳-۱۶۴). کهن‌الگوی قهرمان از کهنترین و در عین حال رایجترین و شناخته‌شده‌ترین کهن‌الگوها در اساطیر قدیم جهان و از جمله ایران هستند که با الگویی مشابه، جهانی و تکرار شونده درباره تولد معجزه‌آسا و اعمال خارق‌العاده و یا سفر قهرمان، حکایت از قدرت گرفتن، والا شدن، رشد و فداکاریهای قهرمان دارند (ر.ک یونگ، ۱۳۸۱: ص ۱۶۲).

سفر قهرمان

از دیدگاه یونگ، قهرمان همواره در حال رسیدن بهدنی است و بواسطه عواملی چون پیرخرد که راهنما و مددکار اوست با «ضدقهرمان» می‌جنگد. و سفری اساطیری را طی میکند. «سفر قهرمان کمابیش در همه اساطیر مصداق دارد و همه این اساطیر از الگوی واحدی پیروی میکنند؛ آزمونهای سفر قهرمان الزاماً سفرهای معمول و مرسوم نیست و چه بسا قهرمان در مسیر تشرّف و تعالی، با موانع روحی و مشکلات معنوی مواجه شود» (ر.ک ووگلر، ۱۳۸۷: ص ۱۵). یونگ معتقد است در اساطیر کهن سفر قهرمان معمولاً پیروزی بر اهریمن و نیروهای تاریک و منفی همراه است اما اساطیری نیز وجود دارد که در آن قهرمان تسلیم اهریمن میشود مانند بلعیده شدن قهرمان در کام نهنگ و آغاز سفر دریایی در اسطوره مذهبی حضرت یونس (ع) (ر.ک یونگ، ۱۳۸۸: ص ۱۷۹). سفر قهرمان، سفری است در راستای شکل‌گیری شخصیت آرمانی قهرمان؛ نقطه آغاز این سفر چه مادی و چه معنوی در نهایت به تکامل روح وی ختم میشود. از این رو میتوان چنین نتیجه گرفت که در مکتب نقد کهن‌الگویی قهرمان دو نوع خویشکاری^۲ دارد. در خویشکاری اول، تمرکز صرفاً بر جهان آفاقی است و در آن قهرمان با مخاطرات گوناگون می‌جنگد یا از خویش دفاع میکند و با دلاوریها و اعمال قهرمانانه، از کیان قوم، سرزمین و هویت ملی خویش دفاع میکند، در خویشکاری نوع دوم، قهرمان از نظر روحانی یا معنوی دچار تغییر و تحولاتی میشود و با طی مراحل مختلفی بنوعی متحول میگردد و از «جاده آزمونها»^۳ میگذرد (یونگ، ۱۳۹۰: ص ۱۱۲).

مراحل سفر قهرمان

یونگ بر این باور است که در سفر قهرمان، وی بشناخت عمیقی از خود دست می‌یابد و معانی مهم زندگی خویش را درک میکند اعمال قهرمانی از الگوی ثابت و معینی پیروی میکند که در تمامی داستانهای جهان و در ادوار گوناگون قابل تأمل و بررسی است. سفر قهرمان^۴ و سیر تحول آن به سه مرحله اصلی تقسیم میشود که عبارتند از

1. Archetype

2. Deed

3. Road of trials

4. The heros journey

جدایی، تشرّف و تعالی و بازگشت. «یک قهرمان از زندگی روزمره دست میکشد و سفری مخاطره‌آمیز به حیطة شگفتیهای ماوراءالطبیعه را آغاز میکند با نیروهای شگفت در آنجا رو به رو میشود و به پیروزی قطعی دست می‌یابد. هنگام بازگشت از این سفر پر رمز و راز، قهرمان نیروی آن را دارد که به یارانش برکت و فضل نازل کند» (کمپبل، ۱۳۹۲ : ص ۴۰). در طی این سفر، کهن‌الگوهای متفاوتی در نقش هدایتگر یا بازدارنده، بر سر راه قهرمان ظاهر میشود» (سخنور، ۱۳۷۹: ص ۳۷). کهن‌الگوی سفر قهرمان را در سه مرحله میتوان ترسیم نمود.

آمادگی ← آغاز سفر اسطوره‌ای ← بازگشت

درباره سمفونی مردگان

رمان سمفونی مردگان نوشته عباس معروفی نویسنده و روزنامه‌نگار شهیر ایرانی است. رمان مذکور، تقابل و جدال دو برادر را تصویر میکشد که با دو روحیه متفاوت در یک خانواده دنیا آمده‌اند. آیدین، قهرمان اصلی داستان فرزند دوم خانواده است که با خواهرش آیدا دوقلو میباشد. آیدین برخلاف میل پدر، به تحصیل علاقه دارد اما پدر میخواهد که او در حجره آجیل‌فروشی‌اش کار کند و راه او را ادامه دهد. سختگیریها و عدم درک پدر نسبت به آیدین، او را تبدیل به فردی گوشه‌گیر و افسرده کرده است. اورهان پسر دیگر خانواده، نسبت به آیدین حسادت میورزد و مطابق میل پدر رفتار میکند و از حسادت مال پدر و منال پدر، دوست دارد که آیدین را هر چه بیشتر به انزوا و تنهایی بکشاند. آیدا دختر خانواده، که قادر به ادامه تحصیل و داشتن یک زندگی عادی نیست، سرانجام دست به خودکشی میرند و یوسف پسر بزرگ خانواده که پس از پریدن با چتر در سن یازده سالگی کاملاً زمین‌گیر و فلج است نیز بالاخره با توطئه اورهان میمیرد. مادر خانواده که سمبول زنی سنتی در جامعه مرد سالار آن روزگار است، زنی ناتوان و فرمانبردار است. تعصب و تندخویی و سختگیری پدر نسبت به آیدین و طرفداری او از اورهان، هر چه بیشتر آیدین را منزوی و افسرده میکند و بعد از فوت پدر که وصیت کرده است اموالش بصورت یکسان بین دو فرزندش تقسیم شود ناخواسته دو برادر را به جان هم می‌اندازد و جدالی سخت میان آیدین و اورهان رخ داد. اورهان با حسادت و کینه قدیمی خود نسبت به آیدین او را کم‌کم مسموم میکند و در شبی سرد و بارانی برای از بین بردن برادر راهی قهوه‌خانه‌ای میشود که آیدین به آنجا میرود و در میانه راه مدام خاطرات و ظلمهایی که در خانواده در حق مادر و برادرانش کرده می‌افتد و آرام آرام در آب غرق میشود و میمیرد. بازه زمانی داستان حوالی سالهای ۴۳ ۴۲ را در بر میگیرد و متن داستان با تکیه بر روایت هابیل و قابیل و موضوع برادرکشی بنگارش درآمده است.

تحلیل نمونه‌ها

کهن‌الگوی آزمون و آغاز سفر قهرمان

زندگی قهرمان آکنده از ماجراها و وقایعی است که گاه قهرمان را با مخاطرات بسیار مواجه میسازد. قهرمان سعی دارد تا ضمن طی کردن مسیر تحوّل، تکوین و تکامل، به هدف این‌الگوی روایی که رسیدن به بلوغ و پختگی روحی است، دست یابد. این هدف میتواند رسیدن به پادشاهی، نابودی دشمن، ازدواج، مواجهه با خدایان، یا حتی کشته شدن و دگردیسی روحی باشد. قهرمان در مسیر آزمون خویش بصورت پیوسته با موانع گوناگون مواجه میشود تا شرارت یا سستی از نهاد او شسته شود و به اصل پاک کودکانه یا مرحله «تطهیر» وارد شود

(juny,2008:382). به این ترتیب قهرمان پس از پیمودن این مسیر دشوار و پر پیچ و خم، بحدی از مظاهر ازلی الوهیت و پاکی نزدیک میشود و رذایل را کنار میگذارد. این مسیر، مسیری دشوار و پر پیچ و خم است که بصورت چرخه‌دار در اساطیر جهان و در تحول انسان نخستین در قالب انسان خدا به انسان پس از هبوط قهرمان تکرار میشود. اثر رانک در کتاب «اسطورهٔ ولادت قهرمان» در بررسی داستان هفت قهرمان معروف اساطیری از جمله هرکول، اودیپ، زیگفرد و... الگوی یکسانی را در ژرف‌ساخت همهٔ این روایات برمیشمرد از جمله مرگ نمادین قهرمان (Rank,1994,95). وی در مسیر تشرف قهرمان، جدایی از اصل، سلطهٔ ناخودآگاه جمعی و رسیدن به آگاهی را در نهایت معرفی میکند. الیاده نیز این فرایند را در مسیر ولادت تا مرگ قهرمان مورد بررسی قرار داده است (۱۳۶۲: ص ۱۹۷).

در رمان سمفونی مردگان «آیدین» در کشاکش دائمی برای یافتن هویت خویش است. آیدین برخلاف اورهان و یوسف که از همان ابتدا مطیع بودند چندان مطیع و سربراه پدر نبود و به تعبیری سرکش و رام نشدنی بود (ص ۱۱۴)، پدر همواره عقاید خود را به او تحمیل میکرد و همین امر آیدین را دچار تعارض و سرگشتگی کرده بود. «روزی که پدر میخواست اولین بار اسمش را در مدرسه بنویسد، گفت دیگر نباید این پالتو را بپوشد آیدین گریه کرد و به پدر نگاه کرد که بسیار خشمگین بود و میگفت اگر میخواهی بپوشی، بگو. آیدین با سر تصدیق کرد. پدر گفت: پس اسمت را در مدرسه ننویسم. آیدین گریه کرد. پدر یک پایش را روی پلهٔ مدرسه گذاشته بود و میخواست به بچه بقبولاند گفت: اگر میخواهی اسمت را بنویسم، دیگر این را نپوش. خیلی خوب، فقط توی خانه میپوشم. پدر اسمش را در مدرسه نوشت و بعد دیگر او آن پالتو را ندید» (ص ۱۲۴). آیدین در جست‌وجوی هویت شخصی خویش مخاطرات و آزمونهای معنوی سختی را پشت سر میگذارد و تصمیم میگیرد که سرانجام برای ادامهٔ تحصیل و شعر و ادبیات و امکانات بیشتر راهی سفر تهران شود. در نوزده‌سالگی در تهران وارد کلاسهای شعر میشود و استاد که متوجه استعداد بسیار زیاد آیدین میشود، او را تشویق به ادامهٔ راه و مسیر میکند و این آغاز سفر است. بر اساس نظریه کهن‌الگویی یونگ، مخاطرات، مشکلات زندگی یا اشتباهات، جهانی ناشناخته را پیش روی قهرمان آشکار میکنند و آیدین هنگامی که محیط خانواده را متناسب با روحیات خویش نمیبیند و سختگیری مضاعف پدر برای ادامهٔ شغل آجیل‌فروشی اجدادی و اصرار به ترک تحصیل از سمت پدر در حق آیدین، او را وارد مسیری پرمخاطره میکند تا راهی دیگرگون از خانواده را پیش‌روی خویش قرار دهد؛ پدری که همواره با تمسخر هویت و ماهیت آیدین را ویران میکند:

«تو خیال میکنی با درس خواندن بکجا میرسی» (ص ۱۲۲).

«پدر! مدام آیدین را زیر نظر داشت، کتابهایش را واری میسکرد، سعی میکرد مانع مدرسه رفتنش بشود و معتقد بود که پسر بزرگش باید راه پدر را پیش بگیرد» (صص ۱۲۱-۱۲۲).

اما آیدین آمادهٔ مخالفت با پدر و قدم نهادن در مسیر پر خطر جدایی از خانواده بود. «پدر گفت: خوب شازده چه تصمیمی دارد؟»

دارم خودم را برای دانشگاه آماده میکنم

که چه بشود؟ تو دنبال چی هستی؟ بگو بهت بدهم؟

آیدین گفت: پدر، همه که نباید مثل شما کاسب بشوند. همه که نباید میراث پدری را بخورند. این همه شغل، این همه فکر.

بحث نکن با من، یا می‌آیی یا میروی

من خیلی وقت صرف کرده‌ام پدر، حالا دیگر بی‌انصافی است» (ص ۱۶۸). از نظرگاه یونگ، سفر قهرمان زمانی آغاز میشود که برای رسیدن به کمال و تشرّف و شناخت خویشتن قدم در راه نهاد. یونگ بر این باور است که کار و هدف اصلی قهرمان، شناخت «خویشتن» است تا به ضعف و قدرت خویش آگاهی یابد و بتواند با مشکلات روبرو شود، «خویشتن نیروی است که تمام سیستم‌های شخصیت را متصل بیکدیگر نگه میدارد و باعث وحدت، تعادل و ثبات شخصیت میشود. بخویشتن رسیدن یعنی رسیدن بشخصیت و وحدت کامل و این هدفی است که همه برای رسیدن به آن تلاش میکنند» (شاملو، ۱۳۸۸: ص ۵۳). خویشتن نمادی است از تلاش قهرمان برای دست یافتن به تمامیت و یکپارچگی. در رمان سمفونی مردگان، «آیدین» نمونه‌ای کامل از کهن‌الگوی «خویشتن» است چرا که با سرسختی و لجاجت برای دستیابی به هدف خود در مقابل پدر می‌ایستد. آیدین در سفر خود و در مسیر تعالی و تشرّف خویش، قصد ندارد بمانند پدر زندگی کند و اهداف دیگری را دنبال میکند و این شروع ورود به مرحله تشرّف است.

گام نهادن در مسیر تشرّف قهرمان

پس از آماده شدن برای سفر، قهرمان سفر خود را برای رسیدن به تعالی در پرتو شناخت خویشتن آغاز میکند. در این مرحله، فرد از تمامیت معصومانه‌ای که در طی آن دنیای بیرون و درونش بوحدت میرسد، خارج شده و به تشخیص و تمییز دنیای پیرامون میپردازد و سرانجام به روشن‌بینی و درک خوب از بد میپردازد. هنگامی که قهرمان قدم به سفر میگذارد باید یک سلسله آزمون را طی کند. این مرحله، مرحله‌ای است که پس از شناخت خویشتن رخ میدهد. آیدین در این رمان سفر معنوی خود را با شناخت خویشتن آغاز میکند: «پدر پرسید: دنبال چه میگردی؟ آیدین گفت: دنبال خودم» (ص ۷۳). آیدین بعنوان فردی که در جست‌وجوی خود است نمیخواهد بهیچ وجه زندگی که پدر به او تحمیل کرده است را بپذیرد از این رو در پی شاعری و ادامه تحصیل است:

«آیدین گفت: من دنبال خودم در گذشته‌ها میگردم، ما چیزهایی در گذشته داشته‌ایم که حالا نداریم» (ص ۲۱۱). آیدین، درست بهمین دلیل است که خواب میبیند مانند مسیح شده است (ص ۲۱۱) گر چه در این سفر او همواره با سایه (پدر و اورهان) و جنبه انیمای درون خود آیدا خواهر دو قلویش همراه است. در سمفونی مردگان، آیدین با آزمونهای سخت رویارو میشود و با پس زدن جنبه‌های منفی و تاریک (پدر و اورهان) سعی میکند به راهکاری برای رهایی از مشکلات روحی خویش دست یابد. آیدین پس از اعلام آمادگی برای شناخت خویش، به سفر وارد میشود و با وجود تمامی مشکلاتی که پیش‌رو دارد، به سفرش ادامه میدهد اما در این مسیر با دو جنبه تاریک یا سایه مواجه میشود. «اورهان» و «پدر». یونگ معتقد است «هر کس یا خود سایه‌ای حمل میکند و هر آنچه انسان داراست، قرار نیست خوب و بی‌عیب باشد. سایه نمودار جنبه منفی شخصیت ماست و چکیده همان صفات ناخوشایندی است که همراه با قوای مثبت درونی، رشد نکرده و مدام باید آن را پنهان نمود. سایه شخصیت فرومایه وجود ماست که از ناخودآگاه جمعی ما برخاسته و با قواعد و قوانین زندگی، مناسبتی ندارد. ظلمتی است که عوامل خودمختار و با نفوذ را در خود میپوشاند. از لحاظ ارزش حسی، غالباً منفی است و نمودار همان شخصیت مستور و سرکوفته و سرشار از بار گناه ماست» (مورنو، ۱۳۹۳: ص ۴۳). آیدین در سفر خود با کهن‌الگوی سایه در دو نوع منفی که پدر و برادرش هستند، مواجه میشود و این در رفتارهای خصمانه پدر و اورهان کاملاً مشخص است. «پدر آیدین را بحیاط برد و با طناب به تنه درخت کاج بست و با کمر بند آنقدر به بچه زد که خودش به نفس نفس

افتاد... پدر با شلاق کیبودش کرده بود. مادر همانطور که اشک میریخت، آیدین را از درخت باز کرد و با خود برد» (صص ۸۳-۸۴). سایه در وجود پدر باعث میشود تا جنبه‌های چپستی از رفتار خود را به آیدین نشان دهد. در واقع بخش تاریک طبیعت پدر با توجه به «خود» ضعیف آیدین در ابتدای داستان سبب میشود که او مورد هر گونه ظلم و ستم از طرف پدر واقع شود.

«آیدین عادت کرده بود که پدر را اخمو ببیند. گاه بوضوح میدید که وقتی پدر از کنارش میگذشت، او را نمیدید یا نادیده می‌گرفت» (ص ۱۵۰). اما ارزش کار آیدین در آن است که در این سفر و مسیر تشرّف به «خود» متعالی میرسد:

«رفته رفته آوازه آیدین در تمام شهر پیچید. آنقدر که در بیست و دو سالگی مورد توجه زنان و دختران زیادی قرار گرفت، ولی همه در تعجب بودند که چرا در زندگی این جوان خوش قد و بالا زنی وجود ندارد، مادر گفت: تا اسم زن را می‌آوری فوراً می‌گوید آسایش دوگیتی» (ص ۱۵۸).

آیدین برای رسیدن به تعالی و بلوغ باید وارد مسیر تشرّف بشود. چنانکه گفتیم تشرّف فرایندی است که در اشکالی چون سفر، گذر از آزمونها، پیکار با نیروهای شرور و اهریمن و کوشش در جهت انجام خویشتن‌سازی فردی و اجتماعی پذیرفته شده توسط جامعه به فرد این توانایی را میدهد تا اجازه و شرافت ورود به مرحله متعالی را کسب کند. تشرّف «مجموعه‌ای از تغییرات در انرژیهای روانی فرد است که انسان را به تعبیر یونگ از شکل زیستی به شکل فرهنگی تبدیل میکند» (jacobi,1999:p13). آیدین با رفتن از خانه پدری و فرار کردن از موقعیت، قدم در مسیر تشرّف و تعالی و سفر معنوی میگذارد و تا وقتی پدرش زنده است، به حجره او برنمیگردد و از ادامه دادن شغل اجدادی، خودداری میکند گرچه در این راه متحمل سختیهای فراوان میشود:

«بالای رودخانه... در یک کارخانه چوب کار میکرد، لاغر و شکسته شده بود. غذای درست و حسابی نمیخورد، اما اراده کرده بود که مستقل باشد و دیگر بخانه پدری پا نگذاشت» (ص ۵۲).

کهن‌الگوی تشرّف، یک گذرگاه روانشناختی از مرحله کودکی تا بلوغ است. متشرّف در این سفر پس از گذر از هر آزمون آمادگی لازم را کسب میکند که توسط گروه اجتماعی پذیرفته شود یا شرایط پیشین خود را تغییر دهد تا به مرحله بالاتری از تعلیم جهت نیل به درجه فراتر از انسان بودن گام نهد (Henderson,1967:pp35-33). در بیان این مسأله از زبان آیدین میخوانیم که:

«میخواهم دور این زندگی را خط بکشم بروم سراغ خودم. میدانی آیدا، دلم به استاد دلخونم خوش بود، پیش خودم گفتم چه نیازی است بروم دانشگاه، ولی حالا که او را سر به نیست کرده‌اند، میخواهم بروم تهران، اتاقی اجاره کنم درسم را بخوانم این استاد دلخون خیلی به من امیدوار بود، من هم پشتم گرم بود» (ص ۱۶۴).

تشرّف فرایند و الگویی است که در آن همراستا با آغاز سفر مادی یا معنوی قهرمان، فرایند تغییرات روانی در سطح مطلوب و مثالی خود با گذار از موانع و پیکار با چالشها و آزمونها، سرانجام دگرگونی نهایی را در قهرمان ایجاد میکند. موانعی که قهرمان با آنها درگیر میشود. تا به کمال برسد، مسیری به سوی دگرگونی شخصیتی^۱ را فراهم می‌آورد؛ کهن‌الگوی تشرّف، استعاره تجسم بافته از روندی است که فرد برای آموختن باید طی کند (Houston,2009:p295). قهرمان در این راه سختیهای گوناگونی را باید تحمل کند، پیکاری که به بهای قربانی کردن سطوح متفاوت و مختلفی از «من» [من پیشین] قهرمان، تمام میشود. از این روست که آیدین دچار تحول

1. A pathway to personal transformation

و دگرگونی میشود و آماده است تا هر گونه تغییری را برای رها شدن از زندگی سخت و طاقت‌فرسایی که پدر و برادرش اورهان برای او در خانه ساخته بودند، به جان بخرد:

«مهار آیدین لحظه به لحظه از کف پدر بیرون میشود، سرکش و رام نشدنی، در زیرزمین حبسش میکردند او در آنجا، چنان سرگرم میشد که تا سراغش نمیرفتند و اصرار نمیکردند، بیرون نمی‌آمد، کتاب را از بر میخواند و املا مینوشت، مدتی پول تو جیبی‌اش را قطع کردند، در ماست‌بندی میدان سرچشمه مشغول شد، باتیل شیر را هم میزد و روزی یک قران مزد میگرفت و پولش را کاغذ و کتاب میخرید» (ص ۱۱۴).

در رمان سمفونی مردگان آیدین با آزمونهای شناخت من خویش برای مبارزه با سایه به تلاش و مبارزه دست میزند.

تقابل پدر و پسر (مبارزه با سایه)؛ مانعی در مسیر سفر قهرمان و تشرّف او

نبرد و تقابل پدر و پسر یک مضمون رایج در اساطیر کشورهای مختلف بوده که از نظرگاه یونگ ریشه در ناخودگاه جمعی بشر دارد. «روایت آلمانی هیلد، براند^۱ و هادو براند^۲ که کهن‌ترین نمونه شعر پهلوانی ژرمنی است که در طی آن، هیلده با پسرش، نبرد میکنند» (خالقی مطلق، ۱۳۷۲: صص ۵۳-۵۷). و یا روایت ایرلندی از نبرد کوچوش^۳ و پدرش کنلای^۴ و یا نبرد ایلیاموریت^۵ و پسرش سکینک^۶ در افسانه‌های روسی (ر.ک همان ۵۹-۶۰). در خصوص این تقابلهای و شباهتهای درونمایه‌ای در این روایات دو نظرگاه قابل تصور است: نخست جهانی بودن این بنمایه‌های اساطیری و دوم فرض خاستگاه مشترک برای این اساطیر و مقتبس بودن آنها از یکدیگر که معروفترین آنها در یونان باستان روایت اودیپ‌شاه^۷ اثر سوفوکل^۸ است که بر مبنای آن فروید نظریه عقده اودیپ^۹ را در روانشناسی تحلیلی خود مطرح نمود؛ گرچه نظریه اودیپ فروید با بسیاری از اساطیر قابل تطبیق است اما نارساییهای قابل توجهی نیز دارد که در اینجا از پرداختن به آن خودداری مینماییم. در نظریه روانشناسی یونگ، توصیف متفاوتی از تقابل پدر و پسر مطرح شده است. در این دیدگاه پدر انعکاسی از «من» یا «خویشتن» است که در هنگام بزرگ شدن قهرمان با این جنبه از ناخودآگاه که میتوان آن را نمودی از مرحله کودکی نیز دانست بمقابله برمیخیزد. این جنبه از «خود» در سفر و مسیر بلوغ و تشرّف، باید قربانی شود تا به «فرامن» کمال‌یافته استحاله یابد. بهمین دلیل چهره پدر در اساطیر، ماهیتی دوگانه از قهر / مهر دارد. آشتی و یکی شدن با پدر، عبارت است از پشت سر گذاشتن از دوگانگی اما دشواری این مقابله در آن است که فرد برای رسیدن به اتحاد و آشتی با پدر خدا، باید از «من» رهایی یابد تا در انتهای راه کمال، به اتحادی در وجود خویش دست یابد (ر.ک گورین و دیگران، ۱۳۷۰: ص ۱۸۰). این تقابل را از سویی میتوان جدال خیر و شر در وجود قهرمان دانست. در این رمان، دو شخصیت اصلی یعنی آیدین و اورهان نیز در تقابل با یکدیگر قرار دارند. آیدین شخصیتی مقاوم، جنگجو و پرتلاش است که از کودکی با احساس ضعف و ناتوانی که پدر در وجود او پرورش میدهد، دست و پنجه نرم میکند و اورهان برادری

1. Hildebrand

2. Hadubrand

3. cuchulain

4. conlai

5. Ilia muromec

6. sokolnik

7. King oedipus

8. sophocles

9. Complex oedipus

که سعی دارد مانند پدر باشد و به هر طریق ممکن برای تصاحب اموال پدری، آیدین را از صحنه محو کند این مخالفت و تقابل هنگامی که پدر با همکاری اورهان کتابهای شعر آیدین را میسوزاند، کاملاً مشخص است: «پدر جرعه‌ای نفت پاشید و من کبریت کشیدم. چه شعله‌ای داشت، ورقها چه پیچی میخورد، قهوه‌ای میشد و بعد سیاه میشد. پدر بمیان آتش چشم دوخت؛ کمی دقت کرد و گفت: باباگوریو، اورهان این باباگوریو نیست؟» (ص ۴۲).

فارغ از غلبه پدر بر پسر در این رمان که جزئی از مسیر تشرّف اوست، پایانی تراژیک را برای آیدین به ارمغان می‌آورد اما آیدین در مسیر رسیدن به فردیت که حاصل همپوشانی من و فرامن یا خودآگاه و ناخودآگاه است آیدین را یاری میکند که در این نبرد، کمال روانی خود را پیدا کند. آیدین میدانند که نمیتواند پدر و اورهان را تغییر دهد و دیدگاه آنان را عوض کند و حتی با سوخته‌های کتابهایش مواجه میشود، بهترین راه را ترک خانه (قدم نهادن در مسیر تشرّف) میدانند و ایمان دارند که این کار، پدر را مغلوب میکند:

«آیدین بعد از آن آتش‌سوزی چنان رنجیده بود که وقتی من و پدر چند روز بعد بسراغش رفتیم، خودش را آفتابی نکرد. مادر اصرار میورزید که برش گرداند و من و پدر باز راه افتادیم طرف رام اسی... یک روز پدر، درست در لحظه‌ای که آیدین داشت تنه درختی را میبرد، غرور کهنه‌اش را زیر پا گذاشت روبه رویش ایستاد و گفت: آیدین گذشته را فراموش کن، آیدین بی‌آنکه سر بلند کند گفت: پدر مرا فراموش کن» (ص ۵۶).

مسیر تشرّف، مسیری است که از ناخودآگاهی مطلق تاریکی حاکم بر آفرینش و هستی ازلی بسوی تابش روشنایی آگاهی و از طفولیت (ناخودآگاه) بسوی بلوغ خودآگاهی پیش میرود. با توجه به اینکه عامل پیش برنده اصلی در این سفر، «آگاهی است، آیدین بعنوان قهرمان بدنبال یافتن آگاهی و ماهیت خویشتن خویش است: «آیدین گفت [میخواهم دور این زندگی را خط بکشم بروم سراغ خودم، میدانی آیدا... میخوامم بروم تهران» (ص ۶۴).

و این درست زمانی است که میفهمد باید مقابل پدر بایستد:

«آیدین در طول زندگی با وحشت [به پدر] سلام میکرد... و همیشه تا آخرین لحظه ترسی ناشناخته از پدر در خود داشت و بعدها که بیست و چهار ساله شد، فهمید که پدر خیلی مغرور است» (ص ۱۱۷).

جستجوی آیدین برای یافتن خویش، بیانگر تفسیر کلی از ماهیت کهن‌الگویی اثبات ماهیت و هویت قهرمان است. آیدین میخواهد «خود» و ناخودآگاهش را بشناسد و «من» وجودی خویش را تعالی بخشد از این رو با سایه‌های وجودی خود می‌جنگد:

«هر قدر که آنها مخالفت میکنند، من بیشتر تلاش میکنم» (ص ۱۹۵). پس از رسیدن آیدین به چنین وضعیتی، او روشی مبارزه‌جویانه برای غلبه بر سایه و جنبه‌های منفی وجود خویش در پیش میگیرد سایه‌هایی چون پدر و اورهان آیدین را دیوانه خطاب میکنند اما آیدین در سفر تعالی روح خویش، از تلاش دست برنمیدارد: «آیدین گفت: من حاضرم در یک غار زندگی کنم و بهدفعم برسم. پدرم میخواهد مرا به زانو درآورد» (ص ۱۹۵). اورهان نیز تجلی دیگر و وجهی مشابه از سایه و پدر در زندگی آیدین است و در حقیقت جایگزین پدر در اینجاست که «خود» بمنظور حفظ و بقای خویش ناخودآگاه «سایه» را واپس میداند.

ازدواج قهرمان در مسیر تشرّف و سفر معنوی وی

چنانکه گفتیم سفر قهرمان در مسیر تعالی و دستیابی به تشرّف، پدیده‌ای است که پس از ظهور نخستین نشانه‌های خودآگاهی با حرکت به سمت و سوی کمال و آگاهی، آغاز میشود. در این مسیر ازدواج قهرمان در بلوغ معنوی و

آشناسازی فرد با مرحله جدیدی از رشد معنوی، حائز اهمیت بسیار است. «ازدواج و تشرّف قهرمان و آیینهای مربوط به هر یک، هسته اصلی نظامهای خانواده را در جوامع باستان تشکیل میداده است» (Steven Son, 1977:141).

اهمیت ازدواج، بعنوان بخش مهمی از مسیر تشرّف در این بود که سفر قهرمان را وارد مرحله جدیدی میکرد است (Velsnel, 1993:279). از دیدگاه کهن‌الگویی یونگ فرد پس از گذار از بخشی از آزمونها و اثبات بلوغ و کارایی فردی خود به اجتماع و خانواده، آماده مرحله زوجیت میشود. بهمین دلیل، آیینهای ازدواج که در بسیاری از فرهنگهای بشری و جوامع از اهمیت خاصی برخوردار بوده است بخشی مهمی از مناسک پیچیده تشرّف را تشکیل میداد (ر.ک اسنودن، ۱۳۸۸: ص ۶۱). از این رو «تولد»، «آزمونهای تشرّف» «ازدواج» و «مرگ» چهار نقطه عطف در تکوین شخصیت قهرمان بشمار می‌آید که در زمره آیینهای گذار از مرحله پیشین و ورود بمرحله جدید است. از دیدگاه کهن‌الگویی، زوجی که در روند تشرّف قهرمان قرار میگیرد، همچنان که خود قهرمان نمودی خداگونه دارد شخصیتی الگووار دانسته و نمونه‌ای از الهه‌های برکت‌بخش کیشهای کهن و باستانی را تکرار مینماید؛ ایزدبانویی که نمادی از زبایی و برکت‌بخشی مادر ازلی یا کهن‌الگوی مادر زمین است و تکرار نمادین وجود او در زندگی قهرمان، سبب میشود که وی علاوه بر ایفای نقش خود در تکوین آگاهی قهرمان، تداوم حیات او را ضامن شود و از این طریق وجود میرایی او را به جاودانگی مادر زمین متصل نماید. ازدواج آیدین با دختر ارمنی به نام «سورملینا» که نمادی از عنصر مادینه یا آنیمای^۱ وجودی اوست زمینه را برای رشد و تعالی بیشتر آیدین بعنوان قهرمان داستان در مسیر تشرّف هموارتر میکند. آنیما از مهمترین کهن‌الگوهای یونگ است که بر اساس آن از منظر روانشناسی تحلیلی در وجود هر مردی، تصویری از یک زن وجود دارد. «قلمرو آنیما و آنیموس، ساحتی است که ناخودآگاه جمعی را از خودآگاه فرد جدا میکند و کشش و کوشش آنها، تصاویر ناخودآگاه جمعی را بجهان خودآگاهی پیوند میزند» (یاوری، ۱۳۸۴: صص ۲۳۵-۲۳۶). آنیما، سرنمون و کهن‌الگویی از نفس زندگی است که ملاقات با وی معمولاً یاری‌رسان قهرمان است. از نظرگاه یونگ هر انسانی علاوه بر وجود عنصر وجودی خویش، عنصر متضاد را نیز در خود بصورت بالقوه دارد و آنیما عنصر زنانه‌ای است که در وجود مرد است و اولین تصویر آن بصورت مادر، متجلی میشود. بخش زنانه وجود قهرمان مرد، زمانی فعال میشود که بتواند بکمک قهرمان بیاید و او را نجات دهد و نقصها و کاستیهای زندگی او را به وجه مثبتی برطرف نماید البته پیدایش آنیما و فراقکنی آن در وجود مردان، مقدماتی دارد. از نظرگاه یونگ، مرد باید به آنیمای وجود خویش ایمان داشته باشد و آن را باور کند تا بتواند در جهت مثبت و سازنده‌ای از آن بهره گیرد (ر.ک مورنو، ۱۳۹۳: ص ۶۳).

سورمه در رمان سمفونی مردگان از همان ابتدا که با آیدین آشنا میشود، به او دل میبازد، اما آیدین از عشق سورمه به خود بی‌اطلاع است و از ابراز علاقه به وی خودداری میکند و به او توجهی نشان نمیدهد. سورمه تصویری از آنیمایی است که در ذهن و ضمیر ناخودآگاه آیدین سایه افکنده است؛ در ابتدای مسیر و زمانی که آیدین هنوز به بلوغ و تشرّف دست نیافته است، نمیتواند با وجه زنانه و مثبت وجود خویش رو در رو شود و به این دلیل است که از سورمه کناره میگیرد و به او ابراز علاقه نمیکند. آیدین پسری گوشه‌گیر و بحالتی است و همواره با کتابهایش سرگرم است و تا مدتها به آنیمای وجود خویش مجال بروز و ظهور نمیدهد؛ از این رو در مقابل ابزار علاقه سورمه میگوید:

۱. Anima

«من به درد تو نمبخورم، سورمه باور کن پیش از آنکه گرفتار تو بشوم باید بروم. باید شوق را توی دلم بکشم، باید عشق را توی قلبم سر ببرم» (ص ۲۱۶).

آیدین، جنبه زنانه روان و ناخودآگاه خویش را بشدت سرکوب میکند. «سورملینا نقطه مقابل آیدین است. آیدین مظهر نتوانستنهاست. آیدین فقط میتواند بگوید چه میشود کرد، در حالیکه سخن سورملینا این است: همه کار میشود کرد» (مهویزانی، ۱۳۷۲: ص ۴۴). از این روست که سورملینا یاریگر قهرمان در مسیر تشرّف، بلوغ و تعالی است و درست پس از شناخت آنیمای وجودی خویش و عشق ورزیدن به آن است که از نظر روحی متحول میشود: «آیدین تا عشق را میبیند، غزل سرا میشود، اجتماع و دردها و نیازهای روز را از یاد میبرد و در جمع خانواده میرزایان غزل میخواند. مستمعی میپرسد شما شعر نو بلد نیستید؟ و آیدین میگوید اتفاقاً من پیرو نیما یوشیج هستم، اما یادم نمی‌آید» (ص ۲۰۵).

سرانجام آیدین و سورمه ازدواج میکنند، یکبار به آیین اسلام و یکبار به آیین مسیحیت، اما وجه دیگری از آنیمای وجود آیدین، خواهر دوقلوی او آیداست. دختری که با سختگیریهای پدر، سرنوشتی محتوم و نافرجام دارد و گرچه مشتاق درس و تحصیل است پدر او را از این کار منع میکند و به اجبار تن به ازدواج با فردی میدهد که علاقه‌ای به او ندارد و سرانجام خود را مقابل دیدگان فرزند کوچکش آتش میکشد. روزی که آیدین، روزنامه‌ای را که سورمه برای او آورده است، میخواند با خبر مرگ خواهر دو قلویش بخشی دیگر از آنیمای وجودی خویش به یکباره از هم فرومیپاشد. مرگ آیدا لطمه شدیدی به روحش زده بود. احساس دل‌تنگی و تنهایی میکرد. شها نمیتوانست راحت بخوابد و کابوس میدید (ص ۲۲۶). از این روست که نه سورمه و نه آیدا تا انتهای مسیر تشرّف، سفر و کمال معنوی و روحی آیدین نمیتوانند او را یاری برسانند چرا که سایه‌های زندگی آیدین (پدر و اورهان) قویتر هستند. مرگ آیدا، پایان چرخه تکامل و سفر معنوی آیدین است و پس از آن، آیدین که مدت‌ها خود را از خانواده دور ساخته بود، بار دیگر بسمت خانواده برمیگردد و به اصرار پدر در مغازه وی مشغول کار میشود، با مرگ پدر، تمام اموال او به آیدین و اورهان میرسد و این بار اورهان بار دیگر به توطئه علیه آیدین برمیخیزد و با خوراندن مغز چلچله به برادر، او را دیوانه میکند. آیدین پس از دیوانه شدن در بین مردم به «سوجی دیوانه» معروف است و این پایان چرخه تشرّف و سفر ناتمام قهرمان در رمان سمفونی مردگان است که به دیوانگی آیدین و مردن اورهان در انتها ختم میشود.

کهن‌الگوی برادرکشی؛ مانع قهرمان در مسیر تشرّف

کهن‌الگوی برادرکشی و برادرآزاری یکی از کهن‌الگوهایی است که در اساطیر ملل و اقوام گوناگون متجلی شده است. «برادرکشی در شمار رویدادهای شوم و تراژدی گونه‌ای است که نومییدی و خشم را در روان انسان برمی‌انگیزد این کهن‌الگو بنوعی ریشه در ناخودآگاه جمعی بشر دارد چرا که از همان آغاز خلقت با این بنمایه در داستان هابیل و قابیل، روبه رو هستیم و یگ ویژگی اساطیری و کهن‌الگویی این سرنمونها آن است که ماهیتاً جمعی و مشترک هستند» (جهادی حسینی، ۱۳۹۵: ص ۴۶-۴۷). تراژدی برادرکشی در رمان سمفونی مردگان با تأثیرپذیری از داستان هابیل و قابیل کهن‌الگوی برادرکشی را بتصویر میکشد. اورهان برادر کوچکتر آیدین از ابتدای کودکی نسبت به آیدین حسادت میکند. آیدین همواره محبوب مادر است و در وجودش نقاط مثبت و ستودنی بسیاری است. آیدین باهوش و خوش سیماست و برخلاف او، اورهان چیزی برای نشان دادن در وجود خود ندارد؛ آیدین و اورهان نمادی از دو شخصیت متفاوت هستند. آیدین علاقه‌مند به درس و شعر و دانشگاه و اورهان بدنبال

تجارت‌پیشگی و راضی نگاه‌داشتن پدر و همین مسأله فاصله بین آن دو را روز به روز بیشتر میکند تا آنکه در پایان داستان اورهان پس از مرگ پدر و دیوانه ساختن آیدین، پا به مسیری میگذارد تا آیدین را نیز بقتل برساند. اورهان به قصد از میان برداشتن برادر، از مغازه خارج میشود و شبی سرد، در نزدیکی قهوه‌خانه‌ای، در سرمای زمستان و تاریکی شب گرفتار میشود و در باتلاق «شورآبی» غرق میشود. معمولاً در انتهای داستان، قهرمان از تمام مراحل سخت عبور میکند اما کهن‌الگوی غالب در داستان سمفونی مردگان ظاهراً به بلوغ و تعالی روحی و تشرّف آیدین ختم نمیشود. آیدین که خواهر دوقلوی خود آیدا و همسرش سورمه را از دست داده است، در انتهای داستان دیوانه و سرگردان میشود و این عاقبت شوم، نتیجه ظلم و ستمی بود که پدر و اورهان، برادر کوچکترش در حق او روا داشتند و سفر او به گونه‌ای ختم میشود که کمال او را در بر ندارد اما در هر حال آیدین خود را شناخته و «خود» زوایا و ابعاد گوناگون وجودی‌اش، سایه و انیمای خود را نیز بخوبی درک و دریافت کرده است. گرچه آیدین در پایان داستان به آرامش درونی نمیرسد و این سفر هم بصورت ناتمام باقی میماند.

نتیجه‌گیری

بنظر میرسد ارتباط عمیق و پیوند ناگسستنی میان ادبیات معاصر بویژه ژانر رمان با روانشناسی وجود دارد؛ تا جاییکه در رمانهای معاصر میتوان مؤلفه‌ها و نموده‌های از عناصر روانشناسی بخصوص نظریه کهن‌الگویی یونگ را مشاهده نمود. از مهمترین نظریات یونگ تحلیلی عمیق مبتنی بر جنبه ناخودآگاه جمعی و کهن‌الگوها یا آرکی‌تایپ بود. یونگ سفر مخاطره‌آمیز و پر پیچ و خم قهرمان را با سه مرحله کلی آمادگی برای سفر، طی مراحل تشرّف و رسیدن به بلوغ و آگاهی و در نهایت بازگشت در گرو شناخت آرکی‌تایپهای مختلف و آگاهی از «خویشتن» شناخت سایه و... میباید. در رمان سمفونی مردگان این روند با تجلیر و حضور کهن‌الگوهای مختلف بوضوح دیده میشود. معروفی در این رمان کوشیده است تا با احاطه به روانشناسی عمیق و ریزبینانه‌ای که برای شخصیت‌های رمان خود انتخاب کرده است، سیر سفر قهرمان اصلی یعنی آیدین در این رمان مطابق با مبانی روانشناسی تحلیلی یونگ است. مطابق با نظریه یونگ سفری که آیدین شروع میکند، تلاشی است برای شناخت «خود» و فردیت‌یابی، آیدین برای شناخت خود لازم است تا با سایه‌های وجودی خویش یعنی پدر و اورهان بجنگد و بر آنها فائق شود گرچه در میانه راه آیدین با تلاشهای بسیار میتواند تا حدودی بر سایه‌ها فائق شود و با انیمای وجود خویش، سورمه آستی برقرار نماید، اما مرگ آیدا، خواهر دوقلوی او که نمودی دیگر از کهن‌الگوی انیمای اوست او را در مسیر سفر با وقفه مواجه میکند و اورهان با استفاده از این موقعیت، آیدین را بار دیگر از تعالی باز میدارد. با تحلیل در این راستا این نتیجه حاصل میشود که هر چند آیدین سعی دارد نقش یک قهرمان حقیقی را در داستان داشته باشد اما آرکی‌تایپ سایه، سرانجام بر او غلبه میکند.

مشارکت نویسندگان

این مقاله از رساله دوره دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی مصوّب در دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان استخراج شده است. سرکار خانم دکتر مهری تلخایی راهنمایی این رساله را بر عهده داشته‌اند و طراح اصلی این مطالعه و نویسنده مسئول بوده‌اند. سرکار خانم دکتر نزهت نوحی و آقای دکتر حیدر حسنلو بعنوان مشاوران و دانشجوی دوره دکتری سرکار خانم خدیجه حسینی زکریا پژوهشگران این رساله در گردآوری و تنظیم متن نقش داشته‌اند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر چهار پژوهشگر میباشد.

تشکر و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم میدانند مراتب تشکر خود را از سردبیر محترم، مدیر مسئول گرامی و همکاران فرهیخته نشریهٔ وزین سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب) اعلام نمایند.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریهٔ داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمامی نویسندگان است و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیهٔ قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش بعهدهٔ نویسندهٔ مسئول است و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

- Snowden. Ruth (2015). Jung's self-study: teaching the basics of analytical psychology and familiarizing himself with his theories.. Translation: Nooruddin Rahmanian. Tehran: Ashian, pp. 53-54-85
- Eliade. Mircha (1983). Mythical visions. Tehran: Tos, p. 197.
- Bilexer. Richard (1997). Jung. Translation: Hossein Payandeh. Tehran: Tarhe No, p. 56.
- Palmer. Michael (1997). Freud, Jung and Palmer. Religion. Translation: Mohammad Dehganpour and Gholamreza Mohammadi. Tehran: Roshd, p. 50.
- Jihadi Hosseini. Seyed Amir (2015). "Investigating the role of common motifs in the myths of fratricide". Mystical and mythological literature. 12th year Number 42. pp. 43-80.
- Absolute creation. Jalal (1993). The flowers of old sorrows. (Selected articles about Ferdowsi's Shahnameh). Try it, Ali Dehbashi. Tehran: Markaz, pp. 53-57-59-60
- Gave Sima (2004). Dictionary of literary terms. Third edition. Tehran: Morvarid, p. 488.
- Robertson. Robin (2015). Applied Jungianism. Translation: Sara Golzai. fourth edition. Tehran: Leniad Farhang Zendi, pp. 17-18.
- Orator. Jalal (2000). Contemporary literary criticism. Tehran: Rahnama, p. 37.
- Shamlu. Said (2009). Schools and theories in personality psychology. fourth edition. Tehran: Rushd, p. 53.
- Fans. Dariush (2002). Mental idols and eternal memory. Tehran: Amirkabir, p. 208.
- Shamisa. Cyrus (2014). literary criticism Tehran: Ferdos, p. 84.
- Knight. Jean and Gerbran. Alan (1388). The culture of symbols. Translation: Sudaba Fadaeli. Tehran: Jihoon, p. 250.
- Fordham. Farida (2005). An introduction to Jungian psychology. Translation: Masoud and Mirelha. Third edition. Tehran: Jihoon.

- Campbell. Joseph (2013). The hero of a thousand faces. Translation: Shadi Khosro Panah. Mashhad: Gol Aftab.
- Gurin. Wilfred and others (1991). Guide to literary criticism approaches. Translation: Zahra Mahinkhah. fourth edition. Tehran: Ettelaat, pp. 178-185-192
- Famous. Abbas (2009). Symphony of the Dead. 13th edition Tehran: Ghoghnos.
- Moreno. Antonio (2013). Jung, Gods and Modern Man. Translation: Dariush Mehrjooi. Eighth edition. Tehran: Markaz, p. 43.
- Mahoizani Elham (1993). Death of Rang: Criticism of the novel Symphony of the Dead by Abbas Maroufi. Tehran: Roshanfekar Publications, p. 44.
- Vogler. Christopher (2008). The author's journey. Translation: Mohammad Ghazabadi. Tehran: Minavi-e-Kherad, pp. 59-15.
- Helper. Hooraa (2004). Grating in the mirror. Tehran: Nilufar, pp. 235-236.
- Jung. Carl Gustav (2015). Psychology of the subconscious mind. Translation: Mohammad Ali Amiri. The seventh edition. Tehran. Scientific and cultural, pp. 21-27-34-35.
- (2019). Four examples: Mother. Rebirth, soul. Sly face Translation: Parvin Faramarizi. Mashhad, Astan Quds Razavi Publishing House, p. 112.
- (2002). Man and his symbols. Translation: Mahmoud Soltanieh. Third edition. Tehran: Jami, pp. 163-164. 162-179.
- (2000). soul and life Translation: Latif Sedqiani. Tehran: Jami, pp. 249. 112

فهرست منابع فارسی

- اسنودن. روت (۱۳۹۵). خودآموز یونگ: آموزش مبانی روانشناسی تحلیلی و آشنایی با نظریه‌های او.. ترجمه: نورالدین رحمانیان. تهران: آشیان، ص ۸۵-۵۳-۵۴
- الیاده. میرچا (۱۳۶۲). چشم‌اندازهای اسطوره‌ای. تهران: توس، ص ۱۹۷.
- بیلکسر. ریچارد (۱۳۷۶). یونگ. ترجمه: حسین پاینده. تهران: طرح نو، ص ۵۶.
- پالمر. مایکل (۱۳۷۶). فروید، یونگ و پالمر. دین. ترجمه: محمد دهگانپور و غلامرضا محمدی. تهران: رشد، ص ۵۰.
- جهادی حسینی. سید امیر (۱۳۹۵). «بررسی نقش مایه‌های مشترک در اسطوره‌های برادرکشی». ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی. سال دوازدهم. شماره ۴۲. صص ۴۳-۸۰.
- خالقی مطلق. جلال (۱۳۷۲). گل رنجهای کهن. (برگزیده مقالات درباره شاهنامه فردوسی). بکوشش علی دهباشی. تهران: مرکز، صص ۶۰-۵۹-۵۷-۵۳
- داد. سیما (۱۳۸۳). فرهنگ اصطلاحات ادبی. چاپ سوم. تهران: مروارید، ص ۴۸۸.
- رابرتسون. رابین (۱۳۹۵). یونگ‌شناسی کاربردی. ترجمه: ساره سرگلزایی. چاپ چهارم. تهران: لنیاد فرهنگ زندگی، صص ۱۷-۱۸.

- سخنور. جلال (۱۳۷۹). نقد ادبی معاصر. تهران: رهنما، ص ۳۷.
- شاملو. سعید (۱۳۸۸). مکتبها و نظریه‌ها در روانشناسی شخصیت. چاپ چهارم. تهران: رشد، ص ۵۳.
- شایگان. داریوش (۱۳۸۱). بتهای ذهنی و خاطره ازلی. تهران: امیرکبیر، ص ۲۰۸.
- شمیسا. سیروس (۱۳۹۴). نقد ادبی. تهران: فردوس، ص ۸۴.
- شوالیه. ژان و گربران. آلن (۱۳۸۸). فرهنگ نمادها. ترجمه: سودابه فضائلی. تهران: جیحون، ص ۲۵۰.
- فوردهام. فریدا (۱۳۸۴). مقدمه‌ای بر روانشناسی یونگ. ترجمه: مسعود و میرلها. چاپ سوم. تهران: جیحون.
- کمپبل. جوزف (۱۳۹۲). قهرمان هزار چهره. ترجمه: شادی خسرو پناه. مشهد: گل آفتاب.
- گورین. ویلفرد و دیگران (۱۳۷۰). راهنمای رویکردهای نقد ادبی. ترجمه: زهرا مهین‌خواه. چاپ چهارم. تهران: اطلاعات، صص ۱۹۲-۱۸۵-۱۷۸
- معروفی. عباس (۱۳۸۸). سمفونی مردگان. چاپ سیزدهم. تهران: ققنوس.
- مورنو. آنتونیو (۱۳۹۳). یونگ، خدایان و انسان مدرن. ترجمه: داریوش مهرجویی. چاپ هشتم. تهران: مرکز، ص ۴۳.
- مهبوزانی. الهام (۱۳۷۲). مرگ رنگ: نقد و بررسی رمان سمفونی مردگان عباس معروفی. تهران: انتشارات روشنفکران، ص ۴۴.
- ووگلر. کریستوفر (۱۳۸۷). سفر نویسنده. ترجمه: محمدگذرآبادی. تهران: مینوی خرد، صص ۱۵-۵۹.
- یآوری. حورا (۱۳۸۴). زندگی در آینه. تهران: نیلوفر، صص ۲۳۵-۲۳۶.
- یونگ. کارل گوستاو (۱۳۹۵). روانشناسی ضمیر ناخودآگاه. ترجمه: محمد علی امیری. چاپ هفتم. تهران: علمی و فرهنگی، صص ۲۱-۲۷-۳۴-۳۵.
- (۱۳۹۰). چهار صورت مثالی: مادر. ولادت مجدد، روح. چهره مکار. ترجمه: پروین فرامرزی. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، ص ۱۱۲.
- (۱۳۸۱). انسان و سمبولهایش. ترجمه: محمود سلطانیه. چاپ سوم. تهران: جامی، صص ۱۶۳-۱۶۴-۱۶۲-۱۷۹.
- (۱۳۷۹). روح و زندگی. ترجمه: لطیف صدقیانی. تهران: جامی، صص ۲۴۹-۱۱۲.

منابع لاتین

- Henderson. Joseph (1967). Lewis thresholds of Initiation. Wesleyan University Press. PP. 35-33
- Houston. Jean (2009). the Hero and the odyssej as Goddess: the odyssey as Pathway to Inconsistencies in Greek and Roman Religion. transistion and Reversal in myth and Ritual. Edition 2. BriLL.p279.
- Jakobi . Jolande (1999). complex / Archetype / symbol in the Psychology of C.G. Jung. Routledge. P 13.
- Juny. Carl. G (2008). Abstracts of the collected works of C.G.Jung. a Guide to the collected works Edition 2.
- Neumann. GodErich(1999). the origins and History of consciousness Routledge.Pantheon Books. P382.

Pope. Rob (2005). Creativity. theory, History, Practice, Reprint , Routledge. Personal transformation. Quest Books. P295

Rank.otto (1994). In quest of the Hero, Princeton university Press. p95.

Stevenson. g. s (1977). Issues and crises during middlecence. Appleton-century 12 crofts p141.

معرفی نویسندگان

خدیجه حسینی زکریا: دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران.

(Email: hoseinikhadijeh59@gmail.com)

(ORCID: 0009-0000-1607-0626)

مهري تلخايی: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران.

(Email: mehri.talkhabi@iauz.ac.ir: نویسنده مسئول)

(ORCID: x293-0893-0003-0000)

نزهت نوحی: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران.

(Email: noohi_nozhat@yahoo.com)

(ORCID: 03542-9103-0001-0000)

حیدر حسنلو: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران.

(Email: bheydar.hasanloo@iauz.ac.ir)

(ORCID: 02229-1881-0003-0000)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited.

Introducing the authors

Khadijeh Hosseini Zakaria: PhD student, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Zanjan Branch, Islamic Azad University, Zanjan, Iran.

(Email: hoseinikhadijeh59@gmail.com)

(ORCID: 0009-0000-1607-0626)

Mehri Talkhabi: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Zanjan Branch, Islamic Azad University, Zanjan, Iran.

(Email: mehri.talkhabi@iauz.ac.ir: Responsible author)

(ORCID: x293-0893-0003-0000)

Nozhat Noohi: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Zanjan Branch, Islamic Azad University, Zanjan, Iran.

(Email: noohi_nozhat@yahoo.com)

(ORCID: 03542-9103-0001-0000)

Heydar Hasanloo: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Zanjan Branch, Islamic Azad University, Zanjan, Iran.

(Email: heydar.hasanloo@iauz.ac.ir)

(ORCID: 02229-1881-0003-0000)